

تشویق کودکان به صداقت

کودکان به گفتن حقیقت تشویق می‌شوند، اما وقتی حقیقت را می‌گویند، تنبیه می‌شوند.



کودکان به گفتن حقیقت تشویق می‌شوند، اما وقتی حقیقت را می‌گویند، تنبیه می‌شوند. بزرگسالان باید صداقت کودکان را تحسین و پاداش دهند، نه اینکه آن را عادی یا حالت پیش فرض در نظر بگیرند. والدین و مربیان می‌توانند از داستان‌های اخلاقی برای ترویج صداقت استفاده کنند. به رفتار خود توجه کنید، اگر انتظار صداقت از کودکان دارید، خودتان نیز باید آن را الگو قرار دهید.

کودکان به گفتن حقیقت تشویق می‌شوند، اما وقتی حقیقت را می‌گویند، تنبیه می‌شوند. بزرگسالان باید صداقت کودکان را تحسین و پاداش دهند، نه اینکه آن را عادی یا حالت پیش فرض در نظر بگیرند. والدین و مربیان می‌توانند از داستان‌های اخلاقی برای ترویج صداقت استفاده کنند. به رفتار خود توجه کنید، اگر انتظار صداقت از کودکان دارید، خودتان نیز باید آن را الگو قرار دهید.

به گزارش انتخاب و به نقل از psychologytoday؛ با وجود «مبلغین صداقت» در سنین و فرهنگ‌های مختلف، آموزش حقیقت‌گویی هرگز جنبش محبوبی در میان والدین و مربیان نبوده است. بیشتر کودکان یاد می‌گیرند که دروغ نگویند و در صورت دروغ‌گویی تنبیه می‌شوند. بینی در حال رشد پینوکیو نشانه‌ای ملامت‌آمیز از فریب‌کاری ناشایسته است که پری مهربان «برای دادن درسی سخت به او و اصلاح عیب ناپسند دروغ‌گویی»؛ ناپسندترین عیبی که یک پسر می‌تواند داشته باشد» این کار را انجام می‌دهد.

ما انتظار داریم حقیقت‌گویی حالت طبیعی و پیش فرض یک ذهن تغییرنیافته باشد؛ دقیقاً همان چیزی که نظریه پیش فرض صداقت که توسط دکتر تیموتی لوین پیشنهاد شده، ادعا می‌کند: افراد صادق هستند مگر اینکه دلیلی برای خلاف آن داشته باشند و مردم نیز دیگران را باور می‌کنند مگر اینکه تردیدی ایجاد شود. اما خیلی زود در طول زندگی، دلایل زیادی برای همیشه کاملاً صادق نبودن پیدا می‌کنیم.

واضح است که تنها دروغ‌ها نیستند که هزینه آشکاری دارند. کودکان (و حتی بزرگسالان) یاد می‌گیرند که عواقب ناگواری برای حقیقت‌گویی وجود دارد؛ بازگشت به داستان پینوکیو، جایی که او ساده لوحانه لاف می‌زند که چهار سکه دارد، و بلافاصله توسط روباه و گربه حيله گر فریب می‌خورد. تعجبی ندارد که وقتی پری از او می‌پرسد سکه‌های باقی مانده کجا هستند، اولین دروغش را می‌گوید: «من آن‌ها را گم کرده‌ام!» درحالی که سه سکه هنوز در جیبش هستند. این یادآوری است که یک دروغ، دروغ دیگری را به دنبال دارد، پس از آنکه صداقت اولیه با تنبیه مواجه می‌شود.

برای پیچیده‌تر کردن موضوع، تحقیقات ما نشان می‌دهد که کودکان می‌توانند با موفقیت بین دروغ و حقیقت برای فریب‌کاری جابه‌جا شوند (که فریب‌کاری مرتبه دوم نامیده می‌شود) نه تنها برای فرار از تنبیه، بلکه برای به دست آوردن مزایای رقابتی و دستیابی به پاداش‌های مطلوب.

چگونه می‌توان به کودکان آموخت که حقیقت‌گویی منجر به تنبیه یا ضرر بیشتر نمی‌شود و در نتیجه، صداقت بیشتری در تعاملات ما ایجاد کرد؟ برخی از ایده‌های روشن‌گرانه از یکی از متخصصان برجسته جهان در زمینه تحقیق درباره فریب‌کاری (و صداقت) کودکان، که از او خواستیم نکات عملی و کاربردی ارائه دهد، به دست آمده است. دکتر ویکتوریا تالوار، رئیس تحقیقات کانادا و استاد دانشگاه مک‌گیل و مدیر آزمایشگاه توسعه کودک تالوار، پیشنهاد می‌دهد که والدین و معلمان می‌توانند:

1. از کودکان بخواهید قول بدهند حقیقت را بگویند، اما زیاده روی نکنید

مطالعات ما اولین مطالعاتی بودند که نشان دادند صرفاً درخواست از کودکان برای قول دادن به گفتن حقیقت، احتمال اینکه آن‌ها حقیقت را درباره یک اشتباه بگویند افزایش می‌دهد، دکتر تالوار توضیح می‌دهد. این بدان معنا نیست که آن‌ها حتماً صادق خواهند بود؛ اما این کار آن‌ها را نسبت به اهمیت حقیقت‌گویی آگاه می‌کند.

مطالعات زیادی (چه مطالعات ما و چه دیگران) این یافته را تکرار کرده‌اند. با این حال، نمی‌گوییم که درخواست قول برای گفتن حقیقت همیشه مؤثر خواهد بود یا باید همیشه از آن استفاده کرد!

2. داستان‌های اخلاقی برایشان بخوانید و درباره اهمیت صداقت صحبت کنید

ما در مطالعات متعددی یافته‌ایم که صحبت کردن درباره صداقت بسیار مهم است. والدین اغلب درباره عواقب دروغ‌گویی صحبت

می‌کنند، اما مهم است که درباره صداقت نیز صحبت کرده و مثال‌هایی (از طریق داستان‌ها یا روش‌های دیگر) ارائه دهید که صداقت چگونه به نظر می‌رسد. تحقیقات ما نشان داد که تشویق مثبت کودکان برای گفتن حقیقت، احتمال گفتن حقیقت را افزایش می‌دهد.

به طور کلی، این یافته‌ها نشان می‌دهند که صحبت درباره صداقت و تشویق مثبت آن مهم است؛ می‌توانید از داستان‌ها استفاده کنید، یا از رویدادهایی که در طول روزتان اتفاق افتاده به عنوان نقطه شروع استفاده کنید. این بحث‌ها در طول زمان ادامه خواهند داشت، همان‌طور که کودک شما رشد می‌کند و با موقعیت‌های جدیدی روبه‌رو می‌شود. این باید یک گفت‌وگوی مستمر باشد.

3. صداقت را تصدیق و تشخیص دهید

ما اغلب این کار را انجام نمی‌دهیم، زیرا بر زمانی تمرکز می‌کنیم که آن‌ها دروغ می‌گویند. درباره صداقت کودک زمانی که آن را می‌بینید نظر دهید، که این پیامی قدرتمند می‌دهد که شما آن را می‌بینید و برایتان ارزش دارد: «شنیدم که صادقانه به همسایه‌گفتی این تو بودی که با توپشان کدو تنبل را شکستی.»

4. به آن‌ها نشان دهید که صداقت پیامدهای مثبتی دارد

ما در مطالعات متعددی دریافته‌ایم که وقتی کودکان می‌بینند شخص دیگری دروغ می‌گوید، آن‌ها نیز بیشتر احتمال دارد دروغ بگویند. اما وقتی می‌بینند دروغ‌گویی پیامدهای منفی دارد یا صداقت پیامدهای مثبتی دارد، احتمال اینکه حقیقت را درباره اشتباه خود بگویند افزایش می‌یابد. آن‌ها با مشاهده دیگران و یادگیری درباره پیامدهای اعمال دیگران یاد می‌گیرند.

5. سبک فرزندپروری گرم و پاسخگو با قوانین و انتظارات محکم را اتخاذ کنید

تحقیقات ما نشان می‌دهد که دروغ‌گویی در کودکان پیش‌دبستانی امری رایج و طبیعی است و این موضوع با توانایی‌های شناخت اجتماعی آن‌ها ارتباط مثبت دارد. با این حال، تحقیقات ما همچنین نشان می‌دهد که در زمینه فرزندپروری گرم و پاسخگو با قوانین و انتظارات محکم (فرزندپروری مقتدرانه)، کودکان کمتر احتمال دارد برای پوشاندن اشتباهات خود دروغ بگویند.

6. صداقت را الگو قرار دهید

رفتار خود ما پیام‌های قدرتمندی می‌دهد؛ ما باید «عمل و گفتارمان یکی باشد». گفتار و کردار هماهنگ، قدرتمندتر از کلمات به تنهایی هستند. پیام صریح ما ممکن است این باشد که صداقت مهم است، اما کودکان اغلب ما را در حال بی‌صداقتی می‌بینند. پیام ضمنی این است که ما فقط در کلام به فضیلت صداقت پایبندیم، اما زمانی که به نعمان باشد، می‌توانیم آن را نادیده بگیریم و دروغ بگوییم.

پس از همه این‌ها، اولین دروغ در داستان پینوکیو در واقع توسط سازنده‌اش، ژپتو، گفته می‌شود که برای خرید کتاب مدرسه پینوکیو، کتتش را می‌فروشد و به او دروغ می‌گوید و می‌گوید: «چون احساس می‌کردم خیلی گرم است.» حتی اگر ما دروغ‌گوهای حرفه‌ای نباشیم، تحقیقات نشان می‌دهد همه ما روزهای خوب و بد دروغ‌گویی داریم و احتمالاً کودکانمان نیز همین‌طور.